



پیام

به مناسبت چهلمین سالگرد جانبازی سالار رزم مجید سترگ

الگو و آرمان مجید در کشور مستعمره ما، یگانه بدیل نجات است!

مجید نامیست گرامی و سیمائیست صمیمی برای توده های تحت ستم و الگوئیست الهامبخش جاودانی برای انقلابیون و آزادیخواهان کشور گرامی ما؛ همان گونه که خود وی، الگو و راه و رسمش از دیروز تا امروز و به یقین تا فردا ها کابوس هول انگیزی بوده و خواهد بود برای سوسیال امپریالیسم معدوم، امپریالیسم و ارتجاع بومی و منطقه.

این اسطوره رزم طی یک ربع قرن پله های تکاملی مبارزات عمق و پهنا یابنده ضد استبدادی، ضد ارتجاعی و ضد استعماری را با موفقیت پیموده و در پله نهائی به مثابه انسان نوینی درفش رهائی ملی و اجتماعی ستمکشان این سرزمین را در پیشاپیش صفوف زحمتکشان به اهتزاز درآورد. پس از مداخله و تجاوز استعماری سوسیال امپریالیسم توسعه طلب روس به کشور ما در اواخر دهه پنجاه شمسی، مجید بزرگ از جایگاه یک شخصیت پذیرفته شده و محوری، با شخصیت منحصر به فردش، محور وحدت انقلابی و وحدت رزمجویانه ملی علیه رژیم مزدور و جنایت پیشه کودتای هفت ثور و ارباب اشغالگر روسی اش شد. حاصل این یک ربع قرن مبارزات تکامل یابنده این طلایه دار مبارزات خلق، ایجاد نطفه ئی سه سلاح نیرومند و معجزه آسای انقلابی در کشور بود. در آن میان، سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان کشور با طلایه داری بانی و نخستین رهبرش مجید و با شعار حماسی «یا مرگ یا آزادی!» از موضع انقلابی و با اتکاء به نیروی لایزال خلق افغانستان، آغازگر و پیشتاز رزم ضد سوسیال امپریالیستی در کشور شد.

درست چهل سال قبل از امروز در هژدهم جوزای ۱۳۵۹ شمسی / هشتم جون ۱۹۸۰ میلادی رژیم جلاخان "خلقی - پرچی" به دستور متجاوز و ابرجنایتکار روسی دست به جنایت بزرگی آلوده و با اعدام مجید این بی بدیل ترین رهبر توده های ستمکش آزادیخواه و به پاخاسته کشور و پخش خبر غم انگیز آن؛ ملتی آزاده و خلقی مبارز را در سوگ بزرگ فقدان وارسته ترین ناجی ستمکشان کشور نشانیده و خود و اربابان جنایتکار روسی آن با ارتکاب این جنایت بزرگ نابخشودنی، محکومیت تاریخی را کمائی و داغ ننگ ابدی را بر جبین عمال جنایتکار شان حک کردند.

از مجید این وجدان بیدار زحمتکشان تحت ستم و ملت سرافراز و استعمارشکن افغانستان، ارثیه گرانبهائی مثل اندیشه، سازمان، آرمان و راه و رسم انقلابی و آزادیخواهانه ای به رهروان صدیق و مصمم راه و مبارزان راه آزادی و انقلاب کشور به

میراث مانده است. آرمان او که رهائی کامل ملی و اجتماعی خلق کشور است، تا هنوز تحقق نیافته؛ سازمانش در "ادامه نبرد مجید" با پیمودن راه پر از فراز و فرود، کماکان نبردکنان علیه امپریالیسم، ارتجاع و انحراف، بی تزلزل و استوار با درفش آزادی بر دوش ره پیموده است؛ شعار «یا مرگ یا آزادی!» مجید هنوز هم در نبرد ضد امپریالیستی - ارتجاعی در فضای کشور مستعمره ما طنین انداز است و راه و رسم انقلابی و آزادیخواهانه اش نیز در وجود خط ایدئولوژیک - سیاسی پاسداری شده توسط راهیان استوار راهش و در تکاپوی مبارزان آزادیخواه کشور، زنده است.

طی چهار دهه اخیر کشور ما شاهد تعویض رژیم ها، دو بار اشغالگری، جنگ های خونین تجاوزکارانه و ارتجاعی و تقابل فاجعه و حماسه و نبرد آزادی با اراده برده ساز استعماری - ارتجاعی بوده است. در میدان همین نبرد، سوسیال امپریالیسم روس و بردگان میهن فروش آن شکست تاریخی خوردند. در نتیجه آن، در غیاب بدیل مستقل ملی - انقلابی در کشور، فاجعه ۷ ثور به فاجعه ۸ ثور انجامید. فاجعه ۸ ثور نیز به گواهی جنایات بی شمار دهاره های اسلام سیاسی؛ بی عرضگی و افلاس تاریخی نیرو های فرتوت و ارتجاعی متکی به غیر (مدافعان فنودالیسم) را اعلام داشته و در نهایت، پشت جبهه امپریالیستی و ارتجاعی این نیروی تاریخ زده و مزدور در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱م، آن فاجعه را با فاجعه جنایتبار تر و دارای ابعاد خونین تر دیگری پیوند زدند. قریب به دو دهه است که جنایت و فاجعه اخیر با همه پیامد های ویرانگر و هستی براندازش برای کشور و مردم ما، بی وقفه ادامه داشته است.

جنگ اشغالگرانه ای را که امپریالیسم اشغالگر امریکا همراه با متحدان ناتوی و غیرناتوی اش دو دهه قبل با اشغال نظامی کشور ما به راه انداخت، هم برای مردم افغانستان و هم برای اقتصاد بیمار و مردمان کشور های دارای دول اشغالگر، به پرداخت بهای سنگینی منجر شد. این بهای سنگین برای دول و اقتصاد های بحران زده و درگیر مشکلات بزرگ اقتصادی قدیم و (جدید ناشی از شیوع جهانی کرونا) نظیر ایالات متحده و اتحادیه امپریالیستی غرق در بحران اروپا، این دولت ها و اتحادیه ها را بر آن داشت تا برای مهار بحران، ضمن چشمداشت به مطامع استعماری و توسعه طلبانه در منطقه وسیع آسیای میانه - جنوب آسیا و حضور در رقابت های امپریالیستی در آن جا و به رغم آن؛ از سر استیصال به تعدیل قسمی ستراتیژی اشغالگرانه شان در قبال افغانستان و نقش آفرینی در منطقه بپردازند.

این تعدیل ستراتیژی برای امریکا - ناتو که قسماً عملی شده و قسماً تا هنوز پای آن صحنه گذاشته شده؛ به رغم اسم و ظاهر فریبنده اش و به رغم غرش سبانه اخیر سردمدار جنون زده قصر سفید مبنی بر برگشت برق آسا به افغانستان و اشغال مجدد آن؛ جز شکست برنامه استعماری و اراده برده ساز امپریالیسم قلدر امریکا و شرکاء و برگشت به حد اقل ها، معنای دیگری ندارد.

در پیوند با همین ستراتیژی، امپریالیسم غدار امریکا با همسوئی دول امپریالیستی عضو ناتو طی حدود یک سال و نیم اخیر، دو جریان را به موازات هم پیش برده است:

یکی، بازی انتخابات تقلبی پرهزینه و افصح آمیز در کشوری مستعمره و منقاد با مردم گرسنه در کمپ مزدوران دولتی و کشار ساختن اعلام نتایج آن برای سرگرم نگه داشتن مردم و وقت خریدن و در اخیر هم اعلام عملی بطلان نتیجه و اصول ناظر بر آن. این تقابل انتخاباتی مزدوران دولتی امپریالیسم اشغالگر بر سر اریکه قدرت پوشالی، تا سنگربندی و شمشیرکشی به رخ همدگر و از خلال سیاست "تطمیع، تجرید - تسلیم" سران جناح ارتجاع قومی فزونخواه عمدتاً فنودال - کمپرادور توسط جناح تمامیت خواه عمدتاً تکنوکرات - کمپرادور پیش رفته و سرانجام با وساطت های متعدد درونی و بیرونی و فشار اربابان اشغالگر، به "توافق سیاسی" شکننده مسخره تر از افصح انتخاباتی و تقسیم قدرت میان دو مزدور خودفروخته دولتی در

رأس دو جناح فوق الذکر انجامید. این "توافق سیاسی" مزدوران دولتی امپریالیسم، بطلان اصول اولیه دموکراسی لیبرال، انتخابات و موازین انتخاباتی را در کل، و کاریکاتور دموکراسی لیبرال را در کشوری مستعمره با مردم دربند آن، برای بار دوم اعلام داشت.

آن دگری، روند مذاکرات زمانگیر صلح دوحه میان نماینده دولت امپریالیستی امریکا و مزدوران طالب با تأیید ناتو و اتحادیه اروپا است؛ مذاکراتی که به توافقنامه امریکا - طالبان انجامید. این توافقنامه ننگین که به تسلیمی طالبان "ضد اشغال" به اشغالگر و خیانت ملی رسمی این گروه خودفروخته منجر شد؛ از لحاظ رسمی و عملی پاشنه آشیل هر دو جانب استعماری و مستعمراتی را آشکار ساخت. این تسلیمی رسمی طالبان به اشغالگر، در عین حال تضاد "بود و نمود" مزدوران ریاکار طالب را نیز حل کرده و در "وحدت و مبارزه" جناح معین ارتجاع (طالبان) با جناحی از امپریالیسم در رأس امریکا، جانب وحدت لااقل در کوتاه مدت عمدگی کسب کرده است.

مزید بر موارد فوق، این توافقنامه تلون فکری، موضع نوسانی و افلاس سیاسی مدافعان دیروزی طالب را نیز هویدا ساخته است. این توافقنامه به طور رسمی دروغین و عوامفریبانه بودن شعارهای دیروزی امپریالیسم امریکا و شرکاء را مبنی بر زدن طالبان، آوردن دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی بیان و... را نیز آشکار ساخت.

عکس این حالت مدافعان طالب، در مورد روشنفکرانهای تسلیم شده به استعمارگر و مزدوران مدنی آن، صادق است. آن عده از نیروهای تسلیم طلب و مزدوران مدنی امپریالیسم اشغالگر که از بدو تجاوز به بعد ابلهانه و شیدانه تبلیغ می کردند که امپریالیسم امریکا قصد دارد به کشور ما "دموکراسی، تمدن، ترقی، تکنیک و حقوق بشر را آورده و شاخ و پنجه فئودالیسم را بشکند" و طی نژده سال اشغال افغانستان و کشتار مردم ما توسط امریکا - ناتو، همراه با سائر طیفهای تسلیم طلب، به ساز دهل اشغالگران به شیوه "مدنی" رقصیده و خوش خرامی کرده اند؛ با به آغوش گرفتن مزدوران طالبان در نقش مدافعان عمده فئودالیسم توسط امپریالیستهای امریکا - ناتو؛ نیز رسوای عام شده و فرصت طلبی، خیانت ملی، افلاس سیاسی و شکست اخلاقی شان برملا شده است.

از همان سالهای ۲۰۱۲م آشکار بود که در تعدیل قسمی ستراتیژی اشغالگرانه امپریالیسم در کشور ما، توحید ارتجاع فئودال - کمپرادوری مطرح بوده است؛ طرحی که هم اکنون دول امپریالیستی امریکا - ناتو پس از انتخاب داعش به حیث نیروی ذخیره و فشار برای پرکردن جایگاه خالی طالبان در نقش پروژه نواستعماری و ابزار جنگ نیابتی و جا به جا کردن آن در کشور ما برای طرحهای بعدی در قبال منطقه؛ همراه با دولت مزدور کابل و مزدوران طالبان روی رفع موانع عملی - حقوقی آن کار می کنند.

هر نوع دولت بوروکراتیک و مزدور برآمده از ادغام این دو نیروی ارتجاعی و خودفروخته متشکل از نمایندگان اسلام سیاسی جهادی - طالبی، بورژوازی بوروکراتیک کمپرادور، خودفروختههای حرفه ئی "خلق و پرچم"، مزدوران "مدنی" امپریالیسم در نقش رهبران احزاب و نهادهای تسلیم طلب، سران "ان جی او"های دزد و سائر ریزه خواران تسلیم شده خون یغمای استعماری؛ پایگاه طبقاتی فئودال - کمپرادوری خواهد داشت. در یک چنین دولتی به شمول طالبان، موازنه موجود در عرصه های سیاست، قانونگذاری، دموکراسی، رسانه ها، آموزش و فرهنگ در کوتاه مدت به سود نمایندگان فئودالیسم به طور قسمی به گونه ای تعدیل خواهد شد که متضمن منافع استعماری پشتگاه امپریالیستی چنین دولتی باشد.

شیوع فزاینده و مهار ناشده مرض (کووید - ۱۹) با همه خطرات آن تا سرحد فاجعه انسانی، در کشور بیداد می کند. تبعات ناگوار ناشی از آن در درازمدت بر عرصه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، صحتی، فرهنگی و آموزشی تأثیرات عمیق و

گسترده ای را در کشور به میراث خواهد گذاشت. در حالی که دولت مزدور و غدار فعلی مشکل شیوع کرونا را به یک پروژه سودآور اقتصادی مبدل کرده است؛ هر نوع دولتی برخاسته از این روند در آینده مطابق طرح امپریالیستی، نه تنها قادر به حل معضل استعماری کشور و مشکلات اقتصادی - اجتماعی مردم، از جمله کرونا، نخواهد شد؛ بلکه به سلطه سنگین مستقیم و غیرمستقیم استعماری امپریالیسم بر کشور و بر دوش زخمی خلق تحت ستم ما پایان نداده؛ ستم، استثمار و تبعیض کماکان در حق زن و مرد مردم زحمتکش ما نیز ادامه خواهد یافت. توحید ارتجاع نیز به ایجاد فضای اختناق در کشور و فشردن کارد بر گلوی زحمتکشان، به ویژه زنان و نیروهای مترقی جامعه تحت ستم ما منجر خواهد شد.

هر گونه حضور نظامی و استخباراتی امپریالیسم در کشور ما پس از توحید ارتجاع و کاهش نیروهای نظامی اشغالگر دول امپریالیستی امریکا - ناتو؛ به موقعیت مستعمراتی کشور ما پایان نخواهد داد.

با این ترکیب نامتجانس و با عقبگاه بیرونی نامتجانس و متضاد نیروهای مرتجع و خودفروخته حاضر در صحنه، هر نوع صلح تحمیلی "استعماری - ارتجاعی" در جامعه ای انباشته از تضادها و تحت انواع ستم؛ صلح شکنند و زودگذری خواهد بود که شمشیر تیز کردن و تدارک نیرو برای از سرگیری جنگ های بربادگرانه بعدی استعماری - ارتجاعی، معنی می دهد؛ جنگ های ویرانگری که دود و خاکستر آن چشمان توده های منتظر صلح آبرومندانه و پایه دار کشور را کور خواهد کرد.

راه نجات مردم افغانستان از این ورطه هولناک و سلطه خونبار استعمار - ارتجاع؛ پایان دادن به ستم، استثمار و مصائب بی شمار تحمیل شده بر دوش مجروح توده های میلیونی کشور؛ همانا متشکل شدن و بسیج ظرفیت های انقلابی و بسیج آگاهانه و هدفمندانه توده های مردم و ذوات و نیروهای آزادیخواه کشور در راه تحقق آرمان گرامی مجید - رهائی ملی و اجتماعی مردم افغانستان - است. مواد و مصالح، تجارب و اشکال آزموده یک چنین بیسجی در جامعه ما به طور بالقوه وجود دارد که بایستی هدفمندانه و با درایت به فعل آید. هر چند این انتخابی است دشوار، ولی سوای این راه، راه دیگری که به رستگاری ملی و اجتماعی توده های دربند خلق کشور ما بیانجامد، فعلاً در چشمرس نیست.

برای اعضاء و منسوبان "ساما" و جنبش انقلابی کشور و کلیه آزادیخواهان میهن گرامی ما افغانستان، متشکل و بسیج شدن و گام برداشتن در خط انقلابی و آزادیبخش مجید و سائر زندگان جاوید و تقویت سلاح رزم مجید (ساما) و دیگر ابزار و اشکال مبارزاتی موجود رشد یابنده ای که به همسوئی و بسیج عمومی علیه امپریالیسم اشغالگر و ارتجاع بیانجامد؛ یگانه معیار سامائی، انقلابی و آزادیخواه بودن است. یک چنین معیار عملی، مبارزان اصیل را از مدعیان لفظی مبارزه متمایز می سازد. التزام عملی و نظری بر این راه، در عین حال، معیاری است برای سنجش دوستی با مجید و سائر رهبران جانباز انقلابی و آزادیخواه کشور، تمسک به اندیشه و تعهد به راه و آرمان ناتمام آن زنده یادان.

به پیش در راه نشانی شده با خون سرخ مجید!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

زنده باد انقلاب و آزادی!

اتحاد مبارزاتی انقلابیون، آزادیخواهان و قاطبه مردم ما، نیاز زمان است!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

هژدهم جوزای ۱۳۹۹ش / هفتم جون ۲۰۲۰م